



Thematic Analysis and Examination of Transformational Trends in the Conceptual Representation of God in Paintings by Iranian Girls in First to Third Grades of Elementary School

Reyhaneh Noorinezhad ¹ , Afzal Sadat Hosseini ^{2*}

1. Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Education, Tehran Branch, Tehran University, Tehran, Iran.

Email: r.noorinezhad1@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Education, Tehran Branch, Tehran University, Tehran, Iran. Email: afhoseini@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 25 May 2025
Revised: 11 Jul 2025
Accepted: 12 Aug 2025
Published: 15 Oct 2025

Keywords:
Children painting, Cognitive growth, Religious development, Representation of God, Thematic analysis.

ABSTRACT

This study aimed to explore the visual representations of the concept of God in the drawings of Iranian girls in grades 1 to 3 of elementary school during the 2024–2025 academic year in Tehran. Initially, using a qualitative approach and thematic analysis, a total of 246 drawings were collected and analyzed qualitatively. Subsequently, Python programming language was employed for quantitative analysis of dominant colors in the drawings. Image processing was conducted using OpenCV, color clustering via the KMeans algorithm from scikit-learn, and color palettes were visualized with Matplotlib and Seaborn. Additionally, the pretrained ResNet50 model was utilized to extract advanced visual features for deeper and more precise analysis. Findings revealed that children represent God through symbols such as light, clouds, human faces, angels, and natural elements, reflecting their religious beliefs, lived experiences, and cultural background. Depictions in lower grades were more concrete and anthropomorphic, while higher grades showed more symbolic, abstract, and complex imagery. Emotional colors and symbols, such as red, gold, blue, hearts, and tears, were consistently present, indicating the enduring role of affective elements in children's religious experiences. This study emphasizes the Iranian cultural context and calls for reconsideration of purely cognitive developmental models, offering new insights for comparative research in non-Western societies.

Cite this article: Noorinezhad, R. and Hosseini, A. S. (2025). Thematic Analysis and Examination of Transformational Trends in the Conceptual Representation of God in Paintings by Iranian Girls in First to Third Grades of Elementary School. *Journal of Applied Psychological Research*, (In Press / Accepted Manuscript). doi: 10.22059/japr.2025.394604.645237



Publisher: University of Tehran Press
DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2025.394604.645237>

© The Author(s).



تحلیل مضمون و بررسی روندهای تحولی بازنمایی مفهومی خدا در نقاشی‌های دختران ایرانی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی

ریحانه نوری نژاد^۱، افضل السادات حسینی^{۲*}

^۱. دانشجوی روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تهران، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: r.noorinezhad1@ut.ac.ir

^۲. نویسنده مسئول، استاد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تهران، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: afhoseini@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

این پژوهش با هدف بررسی بازنمایی‌های بصری از مفهوم خداوند در نقاشی‌های دختران ایرانی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در شهر تهران انجام شد. ابتدا با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون، مجموعاً ۲۴۶ نقاشی گردآوری و به صورت کیفی بررسی شد. سپس برای تحلیل کمی رنگ‌های غالب در نقاشی‌ها، از زبان برنامه‌نویسی پایتون استفاده گردید. پردازش تصاویر با کتابخانه اوپن‌سی‌وی، خوشه‌بندی رنگ‌ها با الگوریتم کی‌میز از کتابخانه سای‌کی‌تلرن و ترسیم پالت‌های رنگی با مت‌پلات‌لیب و سی‌بورن انجام گرفت. همچنین از مدل آزمون آموزش‌دیده مدل رزنت ۵۰ (شبکه عصبی عمیق) برای استخراج ویژگی‌های بصری پیشرفته بهره گرفته شد تا تحلیل‌های عمیق‌تر و دقیق‌تری فراهم آید. یافته‌ها نشان داد که کودکان در بازنمایی‌های خود از خداوند از نمادهایی چون نور، ابر، چهره انسانی، فرشته و عناصر طبیعی بهره می‌گیرند که بازتابی از باورهای دینی، تجربه زیسته و زمینه فرهنگی آنان است. در پایه‌های پایین‌تر، تصویرسازی‌ها بیشتر عینی و انسان‌وار بوده و در پایه‌های بالاتر، بازنمایی‌ها نمادین‌تر، انتزاعی‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. رنگ‌های احساسی و نمادهای عاطفی در نقاشی‌ها حضور پررنگی دارند که نشان‌دهنده نقش پایدار مؤلفه‌های عاطفی در تجربه دینی کودکان است. این پژوهش ضمن تأکید بر زمینه فرهنگی ایرانی، افق‌های نوینی برای مطالعات تطبیقی در جوامع غیرغربی گشوده و بر لزوم بازنگری در مدل‌های صرفاً شناخت‌محور تأکید می‌کند.

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

کلیدواژه‌ها:

بازنمایی خدا، نقاشی کودکان، تحلیل مضمون، تحول دینی، رشد شناختی.

استناد: نوری نژاد، ر. و حسینی، ا. (۱۴۰۴). تحلیل مضمون و بررسی روندهای تحولی بازنمایی مفهومی خدا در نقاشی‌های دختران ایرانی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۰ (پذیرش شده / آماده انتشار). doi: 10.22059/japr.2025.394604.645237

ناشر: انتشارات دانشگاه

© نویسندگان.

تهران



DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2025.394604.645237>

۱. مقدمه

نقاشی‌های کودکان از دیرباز یکی از غنی‌ترین منابع برای کشف دنیای درونی، شناختی و عاطفی آنان به شمار رفته‌اند (سکین^۱، ۲۰۲۴؛ فیتزسیمونز و همکاران^۲، ۲۰۲۵؛ وبر و گریف^۳، ۲۰۲۳). این تصاویر، فراتر از جنبه‌های هنری، حاوی بینش‌هایی عمیق از چگونگی درک کودکان نسبت به جهان پیرامون و مفاهیم انتزاعی همچون معنویت و خدا هستند (موران^۴ و پلت^۴، ۲۰۲۲). به‌ویژه در مراحل اولیه رشد، که کودکان هنوز به زبان انتزاعی و مفاهیم فلسفی دست نیافته‌اند، نقاشی می‌تواند دریچه‌ای به درک آنان از مفاهیم الهی باشد. در این زمینه، مراقبت‌های معنوی در آموزش دینی اولیه کودکان نقش مهمی در شکل‌دهی به تجارب درونی آنان ایفا می‌کند (بلوس^۵، ۲۰۲۱).

پژوهش هرواوتی و یولیا^۶ (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که توانمندسازی مادران در قالب فعالیت‌های خلاقانه، مانند نقاشی و بازی، می‌تواند زمینه‌ساز رشد استقلال فکری و خلاقیت فرهنگی در کودکان خردسال شود، که این خود بستر مناسبی برای تربیت معنوی به‌شمار می‌رود.

مفهوم «خدا» به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر باور دینی، برای کودکان خردسال چالشی پیچیده به شمار می‌رود. آن‌ها اغلب تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از تخیل، تجربه زیسته و عناصر بصری، این موجود مقدس و نادیدنی را به تصویر بکشند. در مطالعات کلاسیکی همچون اسپیلکا^۷ (۱۹۹۲) و وولف^۸ (۱۹۹۱) تأکید شده است که مفهوم‌سازی کودک از خدا در فرآیند رشد دستخوش تحول می‌شود و از بازنمایی‌های ملموس، انسان‌وار و داستانی، به تصویرسازی‌های نمادین و انتزاعی‌تر تغییر می‌یابد (آشکنازی و همکاران^۹، ۲۰۲۲؛ دیاس و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۲).

از سوی دیگر، محیط فرهنگی و دینی کودک نقشی کلیدی در شکل‌دهی به این تصویر ذهنی دارد. پژوهش‌های معاصر در حوزه آموزش دینی کودکان، بر اهمیت فضاهای خلاقانه و ابزارهای آزاد در رشد مفاهیم معنوی تأکید دارند (فکریاتی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۳؛ منیف^{۱۲}، ۲۰۲۳). در همین راستا، یافته‌های پژوهشی در زمینه تربیت مربیان خلاقیت نشان می‌دهد که حتی در مناطق محروم، بهره‌گیری از کارگاه‌های خلاقانه می‌تواند نگرش معنوی و رویکرد تربیتی مربیان را ارتقاء دهد و زمینه‌ساز رشد خلاقیت در کودکان شود (حسینی دهشیری و همکاران^{۱۳}، ۱۴۰۱). به‌طور خاص، آموزش دینی در محیط خانواده می‌تواند به نحو مؤثری آگاهی معنوی کودکان را تقویت کند (ورتل و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۴). همچنین توجه به جنبه‌های روان‌شناسی اسلامی، مانند مفهوم "نفس" و تأثیر آن بر رشد دانش‌آموزان، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است (اروحیودین و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۴). در همین زمینه، راجاراجان و پالانیکومار^{۱۵} (۲۰۲۳) تأکید دارند که مواجهه کودکان با نمادهای تصویری مذهبی، به‌ویژه در هنرهای سنتی آسیای جنوب شرقی، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر ذهنی از مفاهیم الهی ایفا کند.

از این منظر، فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای تجربه‌گری معنویت، نه تنها دغدغه نظام‌های آموزشی نوین، بلکه محور توسعه شخصیتی کودکان نیز به شمار می‌رود (سلیمه و همکاران^{۱۶}، ۲۰۲۳؛ موتولینگا^{۱۷}، ۲۰۲۴).

1. Skeen
2. Fitzsimons et al.
3. Weber & Greiff
4. Morando & Platt
5. Bellous
6. Herawati & Yulia
7. Spilka
8. Wulff
9. Ashkenazi et al.
10. Dias et al.
11. Fikriyati et al.
12. Munif
13. Vertel et al.
14. Erwahyudin et al.
15. Rajarajan & Palanikumar
16. Salimah et al.
17. Mutholingah

مطابق با دیدگاه [موتولینگا \(۲۰۲۴\)](#)، تدوین ساختارهای دقیق در شناسایی استعدادهای هنری و معنوی در سنین پیش دبستانی، نقش مهمی در پرورش مفهوم پرورشی دینی و الهی در کودکان دارد.

با این حال، نظام آموزشی رسمی در بهره گیری از ظرفیت های تخیلی و تصویری کودکان در آموزش مفاهیم دینی، عملکردی ضعیف و نامتناسب با نیازهای رشدی آنان دارد؛ خلأیی که ضرورت انجام پژوهش حاضر را دوجندان می سازد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی بازنمایی مفهومی خدا در نقاشی های دختران ایرانی پایه های اول تا سوم ابتدایی طراحی شده است. تمرکز این مطالعه بر عناصر تصویری رایج در این نقاشی ها، از جمله ابر، نور، چهره های انسانی، فرشته ها و رابطه انسان با خدا است؛ و همچنین بر روندهای تحولی در این بازنمایی ها که با نظریه های تحول دینی مطابقت دارند. داده ها شامل ۲۴۶ نقاشی جمع آوری شده از مدارس ابتدایی شهر تهران است و با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفته اند.

این تحقیق با تلفیق دیدگاه های روان شناسی رشد، آموزش دینی و تحلیل هنر کودک، در پی آن است که به درک عمیق تری از شکل گیری و تحول مفاهیم دینی در ذهن کودکان ایرانی کمک کند. یافته ها می توانند نقشی مهم در تدوین برنامه های آموزشی بومی، خلاق و معنویت محور برای کودکان ایفا کنند.

درک مفاهیم دینی در دوران کودکی، به ویژه مفهوم «خدا»، یکی از موضوعات بنیادین در روان شناسی تحولی دین به شمار می رود. براساس دیدگاه [اسپیلکا \(۱۹۹۲\)](#)، بازنمایی های ذهنی کودکان از خدا در سال های ابتدایی زندگی غالباً ملموس، انسان وار و داستانی هستند و به تدریج، با رشد شناختی، به تصورات انتزاعی تر و نمادین تر تحول می یابند. [وولف \(۱۹۹۱\)](#) نیز بر اهمیت زمینه های فرهنگی و اجتماعی در شکل گیری مفاهیم دینی تأکید می کند و معتقد است که فرآیند مفهوم سازی دینی در کودکان حاصل تعامل میان تجارب خانوادگی، روایت های فرهنگی و محیط های تربیتی است.

یافته های مطالعات معاصر نیز بر این روند صحنه می گذارند. به عنوان نمونه، [لنجرکار و همکاران^۱ \(۲۰۲۲\)](#) در مرور ادبیات مربوط به رشد شناختی کودکان، نقش کلیدی سبک های فرزند پروری و کیفیت رابطه والد-فرزند را در درک کودکان از مفاهیم انتزاعی و معنوی برجسته کرده اند. [موتولینگا \(۲۰۲۴\)](#) نیز تأکید دارد که طراحی ساختارمند برنامه های آموزش دینی متناسب با مراحل رشد کودکان می تواند به ارتقاء فهم معنوی آنان کمک کند.

علاوه بر این، تحقیقات جدید بر اهمیت نقش خانواده در حمایت از رشد معنوی کودکان تأکید کرده اند. مطالعه [مولت و همکاران^۲ \(۲۰۲۳\)](#) نشان می دهد که عوامل حفاظتی درون خانواده، به ویژه در جوامع بومی یا خانواده های در معرض آسیب های اجتماعی، می توانند از بروز تجارب منفی دوران کودکی پیشگیری کرده و زمینه ساز توسعه سلامت روانی و معنوی شوند. در همین راستا، [مونیف \(۲۰۲۳\)](#) با بررسی راهبردهای آموزش دینی در محیط خانواده، بر لزوم توجه به آموزش غیررسمی و مستمر به عنوان عاملی مؤثر در تقویت آگاهی معنوی کودکان تأکید کرده است. افزون بر این، پژوهش [آلفیاندو و همکاران^۳ \(۲۰۲۳\)](#) نشان می دهد که ابزارهای دیجیتال، نظیر اپلیکیشن های رشد کودک، می توانند از طریق ایجاد محیط های یادگیری تعاملی، در شکل دهی غیرمستقیم به فهم کودکان از مفاهیم شناختی و معنوی مؤثر باشند. پژوهش های تجربی در زمینه بازنمایی تصویری مفاهیم دینی توسط کودکان نشان می دهد که آن ها اغلب مفاهیمی مانند خدا را با استفاده از نمادهایی نظیر نور، فرشتگان، آسمان یا چهره های انسانی بازنمایی می کنند ([کولز^۴، ۱۹۹۰](#)؛ [نی و هی^۵، ۱۹۹۶](#)). این تصاویر در بسیاری از فرهنگ ها، نمادهایی از صفات الهی همچون

1. Lanjekar et al.

2. Mullet

3. Alfayando et al.

4. Coles

5. Nye & Hey

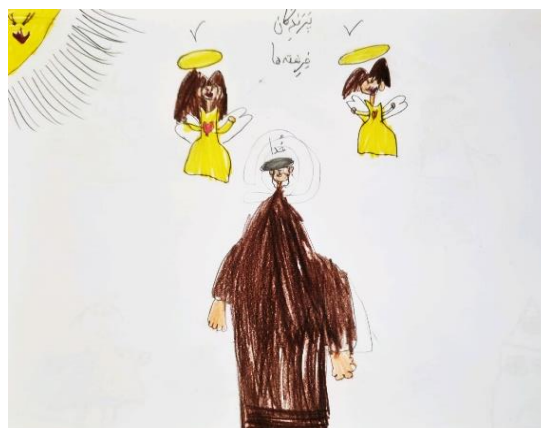


شکل ۱ - سه نمونه از نقاشی‌های جمع آوری شده از دانش آموزان ۷ تا ۱۰ سال

قدرت، حمایت و رحمت به شمار می‌آیند. در این زمینه، تحقیقات اخیر نیز بر اهمیت توجه به زمینه‌های فرهنگی در تفسیر این بازنمایی‌ها تأکید دارند. برای نمونه، مطالعاتی در زمینه مصرف معنادار نشان می‌دهد که ایمان دینی می‌تواند الگوهای رفتاری و برداشت‌های ذهنی افراد، از جمله کودکان، نسبت به مفاهیم معنوی را شکل دهد.

با این حال، بیشتر این پژوهش‌ها در بافت‌های غربی صورت گرفته‌اند و ضرورت انجام مطالعات بومی در جوامع اسلامی احساس می‌شود. در این راستا، بدری^۱ (۲۰۲۲) با تمرکز بر دیدگاه امام زنجی، آموزش متوازن دینی را به‌عنوان روشی برای ادغام ابعاد عقلانی و معنوی معرفی می‌کند که می‌تواند به رشد عمیق‌تر مفاهیم دینی در کودکان بینجامد. همچنین، تریپون^۲ (۲۰۲۴) در یک پژوهش میان‌رشته‌ای بر تعامل سبک‌های فرزندپروری و پرورش ارزش‌های پایدار تأکید کرده است و نشان می‌دهد سبک‌های تربیتی معنوی می‌توانند بنیانی محکم برای رشد اخلاقی و دینی فراهم آورند. افزون بر این، نقش نهادهای آموزشی اسلامی در نهادینه‌سازی ارزش‌های اعتدالی و دینی در میان کودکان و نوجوانان در جوامع اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

از سوی دیگر، برخی مطالعات معاصر با تمرکز بر ابعاد فرهنگی در توسعه کودکان و نقش آن در شکل‌گیری مفاهیم پیچیده‌ای چون خدا، نشان داده‌اند که فرهنگ، همانند زبان، چارچوبی بنیادین برای تفسیر واقعیت و تجربیات معنوی فراهم می‌آورد. در فرهنگ اسلامی-ایرانی، خدا به‌عنوان وجودی متعال، یکتا و نامرئی معرفی می‌شود. این تصویر انتزاعی، ممکن است برای کودکان چالش‌برانگیز باشد و آنان تلاش کنند با استفاده از نمادهایی آشنا، این مفهوم را بازآفرینی کنند. محیط فرهنگی، آموزش دینی رسمی، و روابط خانوادگی در ایران، ساختار منحصر به فردی برای ادراک معنوی کودکان ایجاد می‌کند. چنان‌که در برخی پژوهش‌ها تأکید شده است، ارزش‌های دینی در جوامع اسلامی نقش محوری در شکل‌دهی مهارت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان ایفا می‌کنند (لنجکار و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش حاضر با تحلیل ۲۴۶ نقاشی از دختران پایه‌های اول تا سوم ابتدایی، می‌کوشد این روندهای تحولی را در چارچوب فرهنگی بومی تبیین کند.



شکل ۲- دو نمونه از نقاشی‌های جمع‌آوری شده از دانش‌آموزان ۷ تا ۱۰ سال که نشان‌دهنده ترسیم خداوند به عنوان وجودی یکتا و نامرئی است.

۲. روش

۱-۲. جامعه آماری، نمونه و روش اجرا

این پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه‌های اول تا سوم ابتدایی در یکی از مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. این مدرسه به عنوان بستر فرهنگی-دینی اسلامی-ایرانی انتخاب شد. تمامی ۲۴۶ دانش‌آموز این پایه‌ها به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند و نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل: اشتغال به تحصیل در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی، سن تقریبی بین ۷ تا ۱۰ سال، و تمایل به مشارکت در فعالیت نقاشی بود. معیارهای خروج شامل عدم تمایل به مشارکت، مشارکت بسیار محدود (مانند کشیدن چند خط بدون رنگ یا شکل)، ارائه نقاشی‌های فاقد نماد یا نشانه مرتبط با موضوع پژوهش، و آثاری که به دلیل کیفیت پایین تصویر یا آسیب‌دیدگی قابل تحلیل نبودند، بود. فرآیند گردآوری داده‌ها شامل برگزاری جلسات نقاشی در محیط رسمی مدرسه و با هماهنگی مدیریت و معلمان بود تا فضای امن و آرامی برای خلق آثار هنری فراهم شود. از دانش‌آموزان خواسته شد تا تصورات خود از خداوند یا مفاهیم دینی مرتبط را به تصویر بکشند. در مجموع ۲۴۶ نقاشی جمع‌آوری شد. این نقاشی‌ها با استفاده از اسکنر دیجیتال‌سازی شدند و برای تحلیل رنگ‌ها به کار گرفته شدند.

برای تحلیل داده‌ها از زبان برنامه‌نویسی پایتون^۱ بهره گرفته شد. پردازش و تحلیل تصاویر با استفاده از کتابخانه‌هایی مانند اوپن‌سی‌وی^۲ برای خواندن و پردازش تصاویر، سای‌کیت‌لرن^۳ برای خوشه‌بندی رنگ‌ها با الگوریتم کی‌میز^۴، و مت‌پلات‌لیب^۵ و سی‌بورن^۶ برای ترسیم نمودارها و پالت‌های رنگی انجام گرفت. هدف از این تحلیل، استخراج طیف‌های رنگی غالب در نقاشی‌ها و مقایسه آن‌ها در سه پایه تحصیلی مختلف بود.

۲-۲. شیوه اجرای پژوهش

والدین دانش‌آموزان در جریان هدف و روند پژوهش قرار گرفتند و همکاری آن‌ها جلب شد. داده‌ها با درخواست از دانش‌آموزان برای ترسیم تصویر ذهنی خود از «خدا» در محیطی آرام و آشنا (کلاس درس یا کارگاه هنری) جمع‌آوری شدند تا اضطراب کاهش یافته و خلاقیت افزایش یابد. ابزارهای مورد استفاده شامل برگه‌های سفید A4، مداد رنگی، ماژیک و مداد شمعی بود. پس از اتمام نقاشی‌ها، تصاویر با استفاده از اسکنر دیجیتال ثبت شدند تا کیفیت مطلوب برای تحلیل‌های بعدی فراهم گردد. یادداشت‌هایی درباره عناصر بصری رایج مانند نور، ابر، چهره‌های انسانی، فرشته‌ها و نمادهای آسمانی ثبت شد. همچنین در صورت امکان،

1. Python
2. OpenCV
3. scikit-learn
4. KMeans
5. Matplotlib
6. Seaborn

مصاحبه‌های کوتاه و غیررسمی با کودکان انجام گرفت تا فهم عمیق‌تری از نقاشی‌ها به دست آید. نقاشی‌ها جهت دسترسی بیشتر در گیت‌هاب به نشانی ذکرشده در پاورقی^۱، قرار داده شدند.

۲-۳. ابزار سنجش

ابزار سنجش در این پژوهش، نقاشی‌های کودکان بود که داده‌های کیفی و کمی به شمار می‌رفتند. تحلیل کیفی داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون **براون و کلارک**^۲ (۲۰۰۶) انجام شد. این روش شامل شش مرحله بود: آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش نهایی. در مرحله کدگذاری اولیه، عناصر بصری و مفهومی نقاشی‌ها مانند نور، چهره انسانی، فرشته و نمادهای معنوی به کدهای اولیه تبدیل شدند و سپس این کدها به خوشه‌ها و مضامین اولیه دسته‌بندی گردیدند. اعتبار و پایایی تحلیل با کدگذاری مستقل دو پژوهشگر و رفع اختلافات از طریق گفت‌وگوی توافقی تضمین شد. علاوه بر آن، تحلیل کمی با بهره‌گیری از زبان برنامه‌نویسی پایتون انجام گرفت. تصاویر با استفاده از کتابخانه اوپن‌سی‌وی برای پردازش اولیه، الگوریتم کی‌میز از کتابخانه سای‌کیت‌لرن برای خوشه‌بندی رنگ‌ها، و مت‌پلات‌لیب و سی‌بورن برای ترسیم نمودارها و پالت‌های رنگی تحلیل شدند. همچنین، مدل ازپیش‌آموزش‌دیده مدل رزنت ۵۰^۳ (شبکه عصبی عمیق) به منظور استخراج ویژگی‌های بصری پیشرفته برای تحلیل‌های عمیق‌تر به کار رفت. هدف این تحلیل‌ها، استخراج و مقایسه طیف‌های رنگی غالب در نقاشی‌ها در سه پایه تحصیلی بود.

۳. یافته‌ها

۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان دختر پایه‌های اول تا سوم ابتدایی یک مدرسه دولتی در شهر تهران بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر اساس شرایط دسترسی به فعالیت‌های هنری و امکان جمع‌آوری داده‌های تصویری (نقاشی) انجام شد. در مجموع، ۲۴۶ نقاشی از دانش‌آموزان دختر این مدرسه گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت. توزیع نمونه در سه پایه تحصیلی به گونه‌ای بود که از میان ۲۴۶ نقاشی، ۸۲ نقاشی متعلق به دانش‌آموزان پایه اول، ۸۱ نقاشی مربوط به پایه دوم و ۸۳ نقاشی به پایه سوم ابتدایی اختصاص داشت. این تقسیم‌بندی امکان مقایسه دقیق میان مراحل مختلف رشد شناختی و تحولی کودکان در مقاطع ابتدایی را فراهم می‌کند. میانگین سنی دانش‌آموزان شرکت‌کننده تقریباً بین ۷ تا ۱۰ سال بود. تمامی مشارکت‌کنندگان در محیط آموزشی یکسان و در چارچوب نظام رسمی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران تحصیل می‌کردند و در معرض محتوای فرهنگی-دینی مشابه قرار داشتند.

با توجه به اجرای پژوهش در یک مدرسه، ممکن است محدودیت‌هایی در تعمیم نتایج به سایر مدارس و مناطق فرهنگی وجود داشته باشد، اما تمرکز اصلی پژوهش بر تحلیل محتوای نقاشی‌ها به عنوان بازتابی از درک دینی و معنوی کودکان در بستر فرهنگی اسلامی-ایرانی بوده است.

۲-۳. توصیف یافته‌های پژوهشی

تحلیل مضمون ۲۴۶ نقاشی از دختران پایه‌های اول تا سوم ابتدایی، نشان داد که کودکان برای بازنمایی خداوند، از عناصر تصویری خاصی به صورت مکرر استفاده کرده‌اند. پنج مفهوم اصلی در سراسر نقاشی‌ها تکرار شده‌اند: ابر^۴، نور^۵، شکل انسانی^۶، چهره^۷ و فرشتگان^۸.

1. <https://github.com/reyhanehnoorinezhad/Children-painting>

2. Braun & Clarke

3. ResNet50

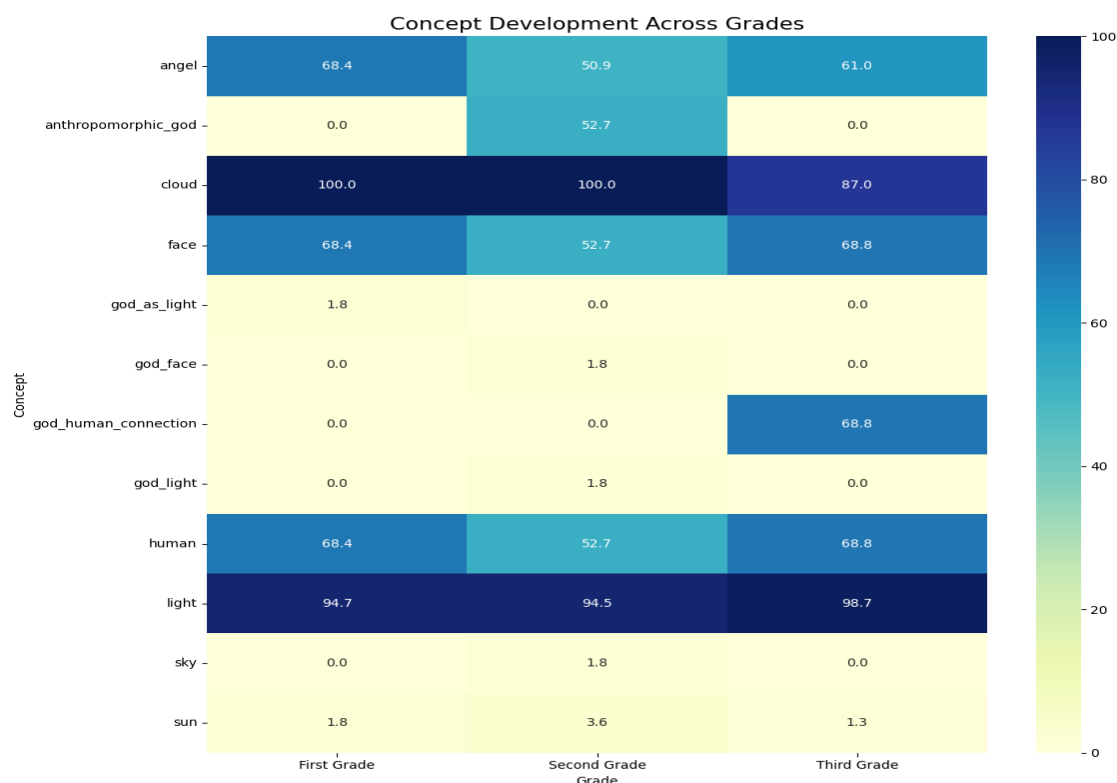
4. Cloud

5. Light

6. Human

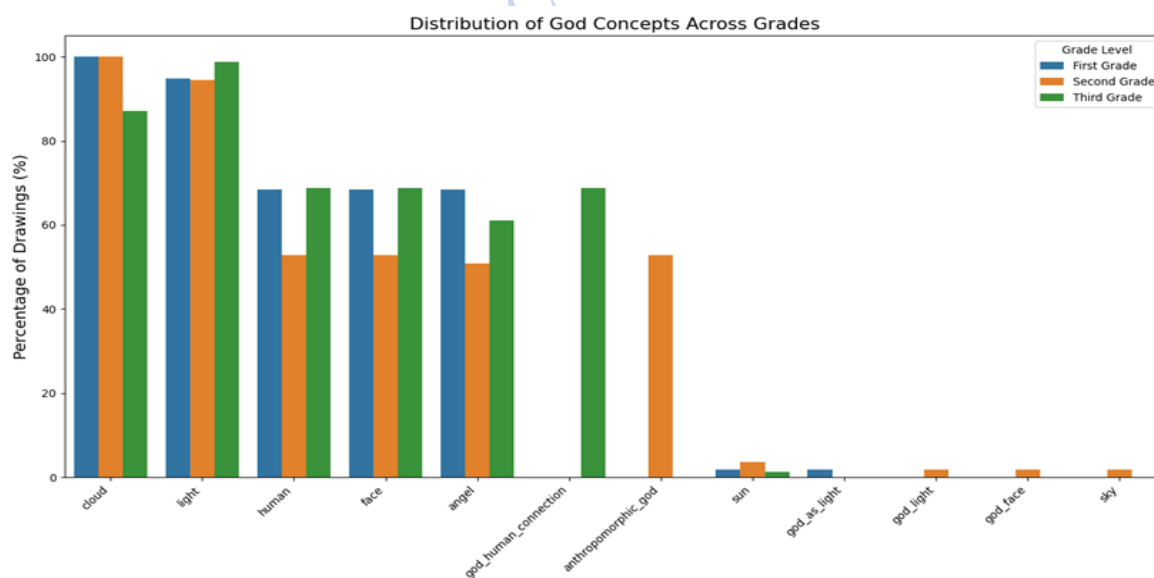
7. Face

8. angel



شکل ۳- نقشه حرارتی مفاهیم خدا در نقاشی‌ها

همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، «ابر» و «نور» در تمامی پایه‌ها بیشترین میزان حضور را دارند، در حالی که مفاهیمی مانند «ارتباط انسان با خدا» یا «نمای انسان‌وار از خدا» تنها در پایه‌های خاصی ظاهر شده‌اند. این نقشه حرارتی، به‌خوبی روند رشد مفهومی از پایه اول تا سوم را از بازنمایی‌های عینی به انتزاعی نشان می‌دهد.



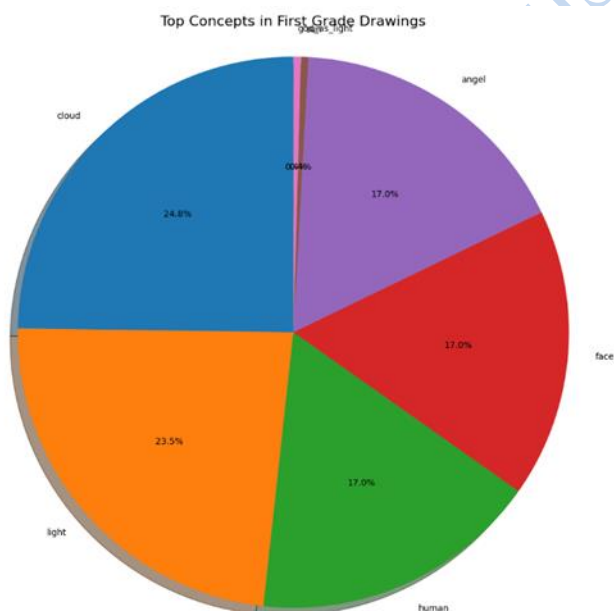
شکل ۴- نمودار میله‌ای مقایسه‌ای مفاهیم

مطابق با یافته‌های ارائه‌شده در شکل ۴، در پایه‌های اول و دوم ابتدایی، مفاهیم عینی و حسی همچون «ابر» و «نور» با فراوانی بسیار بالا (بیش از ۹۰ درصد از نقاشی‌ها) حضور دارند. این امر نشان‌دهنده برجستگی بازنمایی‌های ملموس و تصویری در سنین پایین‌تر است که با ویژگی‌های رشد شناختی کودکان در دوره‌ی تفکر عینی مطابقت دارد.

با این حال، در پایه سوم ابتدایی، الگوی بازنمایی دستخوش تحولی معنادار شده است. در این گروه سنی، علاوه بر تداوم حضور نمادهای سنتی مانند «ابر» و «نور»، ظهور برجسته‌ی مفهوم «رابطه خدا و انسان مشاهده می‌شود که سهم قابل توجهی از نقاشی‌ها را به خود اختصاص داده است. این تفاوت بارز نسبت به پایه‌های پایین‌تر، نشانه‌ای از آغاز فرایند رشد تفکر انتزاعی و افزایش توانایی کودکان در بیان مفاهیم معنوی پیچیده‌تر از طریق نمادپردازی بصری است.

افزایش چشمگیر بازنمایی «رابطه خدا و انسان» در پایه سوم می‌تواند نشانگر آغاز مرحله‌ی گذار از تفکر کاملاً عینی به تفکر نمادین باشد. در این مرحله، کودکان قادر می‌شوند تجربه‌های درونی، احساسات دینی و روابط معنوی را به صورت مفاهیمی نیمه‌انتزاعی در آثار هنری خود منعکس کنند.

به طور کلی، تحلیل این داده‌ها تأیید می‌کند که با افزایش سن، بیان تصویری کودکان از خداوند از بازنمایی‌های ساده و حسی به سوی بازنمایی‌های پیچیده‌تر، مبتنی بر ارتباط، تجربه درونی و معناگرایی حرکت می‌کند؛ این فرایند در بستر فرهنگی اسلامی-ایرانی و متناسب با زمینه‌های تربیتی جامعه مورد مطالعه صورت گرفته است.



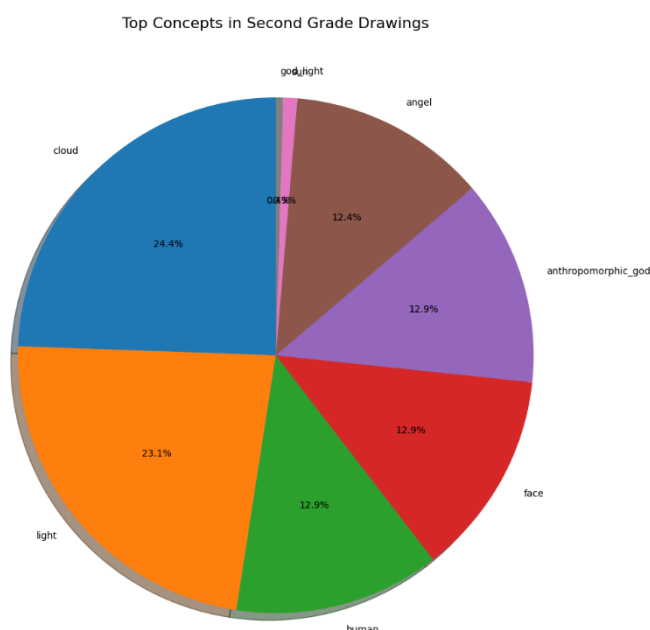
شکل ۵ - نمودار دایره‌ای مفاهیم در نقاشی‌های پایه اول

همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود، نقاشی‌های دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی به‌طور گسترده‌ای از عناصر ملموس، آشنا و حسی همچون ابر (۲۴/۸ درصد)، نور (۲۳/۵ درصد)، چهره (۱۷ درصد) و فرشته (۱۷ درصد) برای بازنمایی مفهوم خداوند بهره گرفته‌اند. این یافته نشان می‌دهد که در این گروه سنی، کودکان ترجیح می‌دهند برای بیان مفاهیم معنوی و دینی به سراغ نمادهایی بروند که برایشان از طریق تجربه‌های حسی و محیطی قابل درک و تصور است.

بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که عناصر انتزاعی‌تر مانند "خدا به صورت نور محض" یا مفاهیمی چون "رابطه میان انسان و خدا" در آثار این گروه تقریباً غایب هستند یا سهم بسیار اندکی دارند (کمتر از ۶ درصد)، که این امر با ویژگی‌های رشدی شناختی در سنین ۶ تا ۷ سالگی همخوانی دارد. در این دوره، غالب کودکان همچنان در مرحله تفکر عینی^۱ به سر می‌برند و درک مفاهیم انتزاعی و روابط پیچیده، به‌طور کامل برای آنان در دسترس نیست.

همچنین حضور پررنگ چهره های انسانی و فرشتگان در نقاشی ها بیانگر آن است که کودکان برای تجسم موجودی غیرقابل مشاهده چون خداوند، به انسان انگاری^۱ یا استفاده از ویژگی های آشنا و ملموس گرایش دارند. این الگو، همخوان با نظریه های روان شناسی رشد مانند نظریه **پیاژه**^۲ (۱۹۵۱) و **اسپیلکا و همکاران** (۲۰۰۳) است که تأکید دارند در مراحل ابتدایی رشد، کودکان برای درک مفاهیم مجرد، به تصاویر، استعاره ها و موجودات آشنا متوسل می شوند.

به طور کلی، داده های حاصل از تحلیل نقاشی های پایه اول نشان می دهد که در این سنین، تجربه های حسی، داستان های مذهبی کودکان، تصاویر فرهنگی و آموزش های بصری بیشترین تأثیر را در شکل دهی به تصویر ذهنی کودکان از خداوند دارند و هنوز فرایند تفکر انتزاعی و مفهومی به طور کامل شکل نگرفته است.



شکل ۶- نمودار دایره ای مفاهیم در نقاشی های پایه دوم

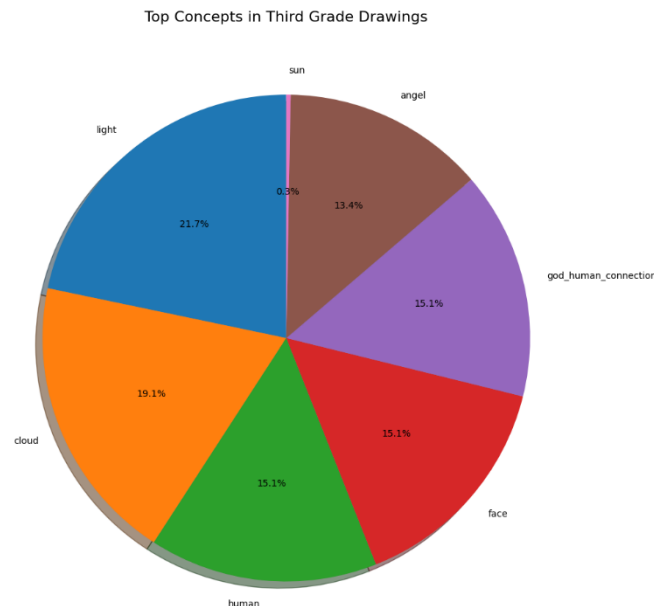
شکل ۶ نشان می دهد که در نقاشی های دانش آموزان پایه دوم ابتدایی، همچنان عناصر ملموسی همچون ابر (۲۴/۴ درصد)، نور (۲۳/۱ درصد)، چهره (۱۲/۹ درصد)، انسان (۱۲/۹ درصد) و فرشته (۱۲/۴ درصد) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. این روند مشابه الگوی مشاهده شده در پایه اول است که استفاده گسترده از عناصر آشنا و حسی را نشان می داد.

با این حال، نکته قابل توجه در نقاشی های این گروه سنی، ظهور مفهوم خدا به صورت انسان وار است که حدود ۱۲/۹ درصد از بازنمایی ها را تشکیل می دهد. این مفهوم خاص، تنها در نقاشی های دانش آموزان پایه دوم مشاهده شده و در پایه اول به چشم نمی خورد. ظهور این نوع تصویرسازی را می توان به عنوان نشانه ای از آغاز یک دوره گذار در رشد شناختی کودکان تلقی کرد؛ دوره ای که طی آن کودکان از تفکر صرفاً عینی به سوی تفکر نمادین^۳ و درک مفاهیم پیچیده تر حرکت می کنند.

در نظریه های رشد شناختی، به ویژه در مدل های پیاژه، سنین حدود ۷ تا ۸ سالگی به عنوان مرحله ای توصیف می شود که کودکان به تدریج قادر می شوند نمادها و مفاهیم انتزاعی تر را درک کنند، هرچند همچنان به اشکال عینی و آشنا برای بیان این مفاهیم متوسل می شوند. انسان وار سازی خداوند در این سنین می تواند نمایانگر تلاشی برای قابل فهم تر کردن مفهومی باشد که در ذات خود فراتر از درک حسی و تجربی کودک است.

1. Anthropomorphism
2. Piaget
3. Symbolic Thinking

از سوی دیگر، ثبات میزان استفاده از عناصری چون نور، ابر و چهره در نقاشی‌ها نشان می‌دهد که تجربه‌های حسی و تصاویر محیطی همچنان نقش محوری در شکل‌دهی به تصویر ذهنی کودکان از خداوند دارند. در مجموع، داده‌های به دست آمده از نقاشی‌های پایه دوم حاکی از آن است که این گروه سنی در مرز تحول از تفکر صرفاً حسی-عینی به تفکر نمادین قرار دارند؛ تحولی که خود را در ترکیب عناصر ملموس با تلاش برای ارائه بازنمایی‌های انسان‌گونه از مفاهیم متعالی نشان می‌دهد.



شکل ۷- نمودار دایره‌ای مفاهیم در نقاشی‌های پایه سوم

شکل ۷ توزیع مفاهیم بازنمایی شده در نقاشی‌های دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عناصر آشنایی چون نور (۲۱/۷ درصد)، ابر (۱۹/۱ درصد)، چهره (۱۳/۱ درصد)، انسان (۱۵/۱ درصد) و فرشته (۱۳/۴ درصد) همچنان بخش عمده‌ای از نقاشی‌ها را تشکیل می‌دهند. این تداوم در حضور عناصر ملموس بیانگر آن است که تجربه‌های حسی و تصاویر محیطی همچنان نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر ذهنی از مفاهیم متعالی دارند. با این حال، نکته قابل توجه در داده‌های این گروه سنی، ظهور مفهوم رابطه انسان و خدا است که حدود ۱۵/۱ درصد از بازنمایی‌ها را شامل می‌شود. این مفهوم به‌طور انحصاری در نقاشی‌های پایه سوم دیده شده و در پایه‌های اول و دوم حضور نداشته است. بروز این مفهوم، نشانه‌ای از تحول درک شناختی کودکان نسبت به رابطه خود با مفاهیم متعالی و معنوی است. در این مرحله، کودکان نه تنها قادر به تصور و ترسیم ویژگی‌های ظاهری خداوند (همچون انسان‌واره‌سازی در پایه دوم) هستند، بلکه می‌کوشند ارتباطی عاطفی یا معنوی با این موجود متعالی برقرار کنند. این تغییر می‌تواند در چارچوب نظریه رشد شناختی پیاژه به عنوان نشانه‌ای از پیشرفت از تفکر عینی به تفکر منطقی‌تر و درک روابط انتزاعی‌تر تفسیر شود. همچنین حضور همچنان پررنگ عناصری مانند نور و ابر نشان می‌دهد که کودکان از ابزارهای تصویری ساده و ملموس برای بیان مفاهیم پیچیده استفاده می‌کنند. اما نسبت بالاتر مفاهیم ارتباطی و معنوی در این مقطع حاکی از آغاز یک فهم عمیق‌تر نسبت به معنویت و نقش انسان در ارتباط با امر متعالی است. در مجموع، نقاشی‌های پایه سوم نشان‌دهنده گذار به مرحله‌ای هستند که در آن کودکان نه تنها به بیان عینی مفاهیم بسنده نمی‌کنند، بلکه سعی دارند شبکه‌ای از ارتباطات درونی و معنوی را میان خود و خداوند ترسیم نمایند؛ تحولی که با افزایش سن و رشد توانایی‌های شناختی و هیجانی آن‌ها قابل انتظار است.

تحلیل داده‌های ترسیمی و آماری از سه پایه تحصیلی، الگوی روشنی از تحول مفهومی در درک الهی کودکان نشان می‌دهد. روندی قابل مشاهده از بازنمایی‌های ملموس، ساده و عاطفی در پایه‌های پایین‌تر به سوی نمادپردازی انتزاعی‌تر و پیچیده‌تر در پایه‌های بالاتر شکل گرفته است. این تغییرات با رشد شناختی، زبانی و معنوی کودکان مطابقت دارد و حاکی از افزایش توانایی آن‌ها در انتزاع‌سازی و درک مفاهیم غیرمحموس است.

در پایه اول، کودکان بیشتر به استفاده از عناصر آشنا و دیداری مانند ابر، نور، چهره و فرشتگان گرایش دارند؛ عناصری که در منابع دینی و ادبیات کودکان به‌وفور حضور دارند و برای ذهن کودک ملموس و قابل ترسیم‌اند. در پایه دوم، نشانه‌هایی از گذار مفهومی نمایان می‌شود: مفاهیمی مانند «خدا به‌صورت انسان‌وار» تنها در این پایه ظهور کرده‌اند که می‌توانند بازتابی از تداخل تخیل کودک و آموزه‌های تربیتی باشند.

در پایه سوم، استفاده از مفاهیمی چون «رابطه انسان و خدا» و هم‌زمانی آن با حضور عناصر پایدار مانند نور و ابر، نشان‌دهنده توانایی کودک در ترکیب نمادهای سنتی با مفاهیم معنوی پیچیده‌تر است. به عبارت دیگر، کودکان این پایه نه تنها قادر به بازنمایی خدا هستند، بلکه شروع به تبیین رابطه خود با امر قدسی نیز کرده‌اند.

نکته حائز اهمیت، پایداری نمادهای فرهنگی و دینی مانند "نور" و "ابر" در تمامی گروه‌های سنی است. این استمرار دلالت بر آن دارد که مفاهیم کلیدی الهی در ذهن کودک ایرانی به‌طور ناخودآگاه و مداوم از طریق ساختارهای فرهنگی، آموزشی و مذهبی تقویت می‌شوند. بنابراین، این عناصر به‌عنوان نمادهای بنیادین خداوند در فرهنگ دینی ایرانی درونی‌سازی شده و نقش محوری در تکوین تصویر الهی ایفا می‌کنند.

۴. بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش در بسیاری از جنبه‌ها با نظریه‌های کلاسیک رشد دینی همچون اسپیلکا (۱۹۹۲) و وولف (۱۹۹۱) همخوانی دارد. مطابق این نظریه‌ها، کودکان در مراحل ابتدایی رشد شناختی، خداوند را عمدتاً با تصاویر ملموس و عینی مانند نور، ابر و چهره انسانی بازنمایی می‌کنند. این بازنمایی‌های عینی در پایه‌های اول و دوم ابتدایی بیشترین فراوانی را داشت که با مفاهیم رشد شناختی دوران کودکی خردسال مطابقت دارد (هراواتی و یولیا، ۲۰۲۲). در پایه سوم، گرایش به تفکر نمادین و انتزاعی نمایان شد که بیانگر ارتقاء توانایی‌های ذهنی برای درک مفاهیم معنوی پیچیده‌تر است و با مدل رشد شناختی اسپیلکا (۱۹۹۲) همسو است. با این حال، داده‌ها نشان دادند که گذار از بازنمایی‌های عینی به نمادین، روندی یکنواخت و خطی نیست و حتی در پایه‌های بالاتر برخی کودکان همچنان از نمادهای انسانی و فرشته‌گون استفاده می‌کنند. این موضوع اهمیت تأثیر عوامل فرهنگی، هیجانی و آموزشی را به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده در روند رشد شناختی برجسته می‌سازد. به عنوان نمونه، پژوهش‌های آموزشی نشان داده‌اند که شرکت در دوره‌های خلاق‌محور به‌ویژه در مناطق محروم، نگرش و مهارت معلمان را در استفاده از استعاره‌های بصری و تخیل افزایش می‌دهد که می‌تواند بازنمایی‌های دینی کودکان را متأثر کند (حسینی و جعفرپور، ۱۴۰۲).

علاوه بر آن، برخلاف تأکید نظریه‌های صرفاً شناختی، مؤلفه‌های هیجانی و زیبایی‌شناختی مانند استفاده از رنگ‌های احساسی (قرمز، طلایی، آبی) و نمادهایی چون قلب و اشک، حتی در سنین بالاتر نیز در نقاشی‌های کودکان باقی ماندند. این امر اهمیت عناصر عاطفی در تحول مفاهیم دینی را نشان می‌دهد و ضرورت بازنگری در مدل‌های صرفاً شناخت‌محور را مطرح می‌کند (راجراجان و پالانیکومار، ۲۰۲۱).

نتایج این پژوهش با مطالعاتی همچون پژوهش گارسیا ناوارو و همکاران^۱ (۲۰۲۴) درباره نقش استعاره‌های بصری در تجربه دینی کودکان همسو است. همچنین محفوظ و همکاران^۲ (۲۰۲۲) تأثیر محیط‌های دینی رسمی بر شکل‌گیری تصاویر ذهنی کودکان را برجسته کرده‌اند که در این مطالعه نیز با مشاهده استفاده گسترده از نمادهای سنتی در کودکانی با زمینه مذهبی‌تر تأیید شد. این یافته‌ها با نظریه‌های فرهنگی-اجتماعی از جمله ویگوتسکی^۳ (۱۹۸۷) همخوانی دارد که نقش تعاملات اجتماعی و فرهنگی را در رشد شناختی مورد تأکید قرار می‌دهد (یلوس، ۲۰۲۱).

1. García-Navarro et al.

2. Mahfud et al.

3. Vygotskiĭ

از این منظر، بازنمایی خداوند در نقاشی‌های کودکان نه تنها بازتاب رشد شناختی، بلکه حاصل تعامل پیچیده میان زمینه‌های اجتماعی، هیجانی، آموزشی و فرهنگی است. بنابراین، فهم مفاهیم دینی در کودکان نیازمند مدل‌های تلفیقی و چندسطحی است که پیچیدگی‌های زیستی، روان‌شناختی و فرهنگی را در نظر بگیرند.

این پژوهش، با تمرکز بر نقاشی‌های کودکان ایرانی، نشان داد که درک کودکان از خداوند از تصاویر عینی و انسان‌وار به نمایش‌های انتزاعی‌تر گرایش می‌یابد، اما این گذار الزاماً پیوسته یا یک‌دست نیست. ثبات برخی نمادها مانند نور، ابر و فرشته، حاکی از تأثیر پایدار زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و خانوادگی در شکل‌گیری تجربه دینی است.

اهمیت این مطالعه در آن است که نشان می‌دهد فهم کودکان از مفاهیم الهی نه تنها محصول فرایندهای شناختی بلکه بازتابی از درهم‌تنیدگی عناصر هیجانی، اجتماعی و زیباشناختی نیز هست. این یافته‌ها می‌توانند برای متخصصان آموزش دینی، روان‌شناسان کودک و سیاست‌گذاران تربیتی در طراحی برنامه‌های آموزش معنوی موثر و مناسب راهگشا باشند.

با این حال، محدودیت‌هایی از جمله تمرکز پژوهش بر یک منطقه جغرافیایی خاص و تحلیل محدود به نقاشی‌ها بدون مصاحبه‌های عمیق وجود دارد که ممکن است ابعاد معنایی پیچیده‌تر را پوشیده نگه دارد. همچنین تأثیر متغیرهایی مانند سبک‌های فرزندپروری، نوع آموزش مذهبی و تجربه‌های فردی به صورت مستقیم بررسی نشده‌اند.

نکته برجسته این پژوهش، ناهماهنگی میان دریافت‌های حسی و تخیلی کودکان از مفاهیم الهی با شیوه‌های رایج آموزش دینی در نظام آموزشی رسمی است. محتوای کتاب‌های درسی دینی اغلب فاقد پیوند با گرایش‌های طبیعت‌گرایانه و تصویرمحور کودکان است، در حالی که کودکان در مواجهه با امر قدسی بیشتر از طریق تخیل، عناصر طبیعی و استعاره‌های بصری وارد تجربه معنوی می‌شوند. بهره‌برداری هدفمند از این ظرفیت‌های تخیلی و زیباشناختی می‌تواند تجربه دینی زنده‌تر و معنادارتری در مدرسه فراهم آورد که متأسفانه در طراحی محتوای درسی رسمی کمتر دیده شده است (موتولینگاه، ۲۰۲۴؛ هراواتی و یولیا، ۲۰۲۳). با وجود این، بررسی محتوای آموزش دینی رسمی نشان می‌دهد که این متون، علی‌رغم ساختار تألیفی، با یافته‌های این پژوهش و دیگر مطالعات علمی هم‌راستا نیستند. محتوای کتاب‌های درسی نه تنها از ظرفیت‌های زیباشناختی، تخیلی و طبیعت‌گرایانه کودک غفلت کرده‌اند، بلکه تجربه زنده و درونی کودک از امر قدسی را نادیده گرفته‌اند. این ناهمخوانی، نیاز به بازنگری در طراحی محتوای آموزشی را یادآور می‌شود، تا آموزش دینی بتواند با بهره‌گیری از عناصر بصری، نمادین و تجربه‌محور، برای کودک معنا و جذابیت بیشتری بیافریند.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از روش‌های ترکیبی مانند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به همراه تحلیل آثار هنری استفاده شود تا درک چندلایه‌تر و عمیق‌تری از تجربه دینی کودکان به دست آید. همچنین پژوهش‌های تطبیقی فرهنگی می‌تواند به روشن‌تر شدن نقش عوامل اجتماعی در تحول مفاهیم معنوی کودکان کمک کند. این پژوهش نشان داد که بازنمایی کودکان ایرانی از خداوند از تصاویر عینی به نمادین تغییر می‌کند، اما این تحول تحت تأثیر عوامل فرهنگی، هیجانی و آموزشی پیچیده و غیرخطی است. درک مفاهیم دینی کودکان نیازمند مدل‌های چندبعدی فراتر از رشد شناختی صرف است.

ملاحظات اخلاقی

تمامی اصول اخلاقی مرتبط با انجام پژوهش بر روی کودکان با دقت رعایت شد. اگرچه رضایت‌نامه کتبی اخذ نشد، اما والدین و مسئولان مدرسه به طور کامل از اهداف و فرایند اجرای پژوهش آگاه شدند. مشارکت کودکان داوطلبانه، بدون نام و در ساعات معمول مدرسه، در محیط‌های آشنا و امن مانند کلاس درس و کارگاه‌های هنری صورت گرفت. هیچ‌گونه اطلاعات هویتی از کودکان جمع‌آوری نشد. تمامی داده‌های تصویری به صورت ناشناس در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفته و از طریق گیت‌هاب^۱ در دسترس عموم برای اهداف علمی قرار دارد.

این پژوهش مطابق با استانداردهای بین‌المللی برای تحقیقات کم‌خطر بر روی افراد زیر سن قانونی انجام شده است.

1. <https://github.com/reyhanehnoorinezhad/Children-painting>

سپاسگزاری و منابع مالی

صمیمانه از همکاری ارزشمند مدارس شرکت‌کننده، کارکنان، دانش‌آموزان و خانواده‌های ایشان تشکر می‌کنیم. این پژوهش بدون دریافت حمایت مالی از هیچ‌گونه نهاد تأمین‌کننده انجام شده است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در خصوص انتشار این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع ندارند.

منابع

حسینی دهشیری، ا. س.، کشاورزبان، ص.، نظامی، م.، و امیریان، س. خ. (۱۴۰۱). واکاوی تجارب زیسته مربیان در مناطق محروم در کارگاه آنلاین تربیت مربی خلاقیت. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۳ (۴)، ۳۵-۱۹.

<https://doi.org/10.22059/japr.2023.344818.644304>

حسینی، ا. س.، و جعفرپور، ف. (۱۴۰۲). مطالعه اثربخشی دوره تربیت مربی خلاقیت بر دانش، نگرش و مهارت معلمان مناطق محروم: مطالعه طولی پدیدارشناسانه. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۴ (۴)، ۳۳۳-۳۱۷.

<https://doi.org/10.22059/japr.2023.360075.644640>

References

- Alfyando, M., Anggraeny, F. T., & Sihananto, A. N. (2023). Perbandingan algoritma Random Forest dan Logistic Regression untuk analisis sentimen ulasan aplikasi tumbuh kembang anak di Play Store. *Jurnal Sistem Informasi dan Ilmu Komputer*, 2(1), 45-55. <https://doi.org/10.59581/jusiik-widyakarya.v2i1.2262>
- Ashkenazi, S., Haber, H., Shemesh, V., & Silverman, S. (2022). Early subitizing development: The role of visuospatial working memory. *European Journal of Education and Pedagogy*, 3(2), 32-39. <https://doi.org/10.24018/ejedu.2022.3.2.274>
- Badri, Z. (2022). Balanced education according to Imam Al-Zarnuji. *Tafkir: Interdisciplinary Journal of Islamic Education*, 3(2), 198-210. <https://doi.org/10.31538/tijie.v3i2.177>
- Bellous, J. (2021). Spiritual care as the foundation for a child's religious education. *Religions*, 12(11), 954. <https://doi.org/10.3390/rel12110954>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Brown FL, Lee C, Servili C, et al. Psychological interventions for children with emotional and behavioral difficulties aged 5-12 years: An evidence review. *Cambridge Prisms: Global Mental Health*. 2024;11:e75 <https://doi.org/10.1017/gmh.2024.57>
- Coles, R. (1990). *The spiritual life of children*. Houghton Mifflin Harcourt. https://books.google.co.uk/books/about/The_Spiritual_Life_of_Children.html?id=qnDaevR_xcC
- Dias, M. D. R., Ahmad, J. G., Evangelista, M. R., Carvalho, M. do R., Dias dos Santos, H., & Pires, M. (2022). Drawing as a process of psychic mediation along the child's developmental trajectory. *Journal of Educational and Developmental Psychology*, 12(2), 57-69. <https://doi.org/10.5539/jedp.v12n2p57>
- Erwahyudin, D. D., Muzakki, M., & Latief, A. M. (2024). The concept of nafs in Islamic psychology and its relevance to student development. *AL MISYKAT: Journal of Islamic Psychology*, 1(2), 77-88. <https://doi.org/10.24269/almisykat.v1i2.7758>
- Fitzsimons, E., Parsons, S., & Schoon, I. (2025). The OHC penalty in the UK: Maternal experience and child development. *Longitudinal and Life Course Studies*, 16(1), 1-18. <https://doi.org/10.1332/17579597Y2024D0000000033>
- Fikriyati, M., Katoningsih, S., & Hasan, S. (2023). Use of loose part media with cardboard and sand materials in Islamic children's schools. *Nazhruna: Jurnal Pendidikan Islam*, 6(1), 60-71. <https://doi.org/10.31538/nzh.v6i1.2858>

- García-Navarro, E. B., Cáceres Titos, M. J., & Rodríguez Pascual, I. (2024). Social representation, stereotypes and social identity pertaining to nursing through children's drawings: A qualitative study. *Nursing Research and Practice*, 2024, 2417051, <https://doi.org/10.1155/nrp/2417051>
- Herawati, H., & Yulia, R. (2023). Pemberdayaan ibu rumah tangga sebagai upaya mengembangkan kemandirian dan budaya kreatif pendidikan anak usia dini Almukmin di Kelurahan Way Kandis Bandar Lampung. *Jurnal Pengabdian Kepada Masyarakat Indonesia (JPKMI)*, 3(1), 1-10. <https://doi.org/10.55606/jpkmi.v3i1.1054>
- Hosseini, A. S., & Jafarpour, F. (2023). Effectiveness study of the creativity training workshop on the knowledge, attitude, and skill of teachers in deprived areas: A longitudinal phenomenological study. *Journal of Applied Psychological Research*, 14(4), 317–333. <https://doi.org/10.22059/japr.2023.360075.644640> (In Persian)
- Hosseini Dehshiri, A. S., Keshavarzian, S., Nezami, M., & Amirian, S. K. (2022). An analysis of the life experiences of educators in disadvantaged areas in the online creativity workshop. *Journal of Applied Psychological Research*, 13(4), 19–35. <https://doi.org/10.22059/japr.2023.344818.644304> (In Persian)
- Lanjekar, P. D., Joshi, S. H., Lanjekar, P. D., & Wagh, V. (2022). The effect of parenting and the parent-child relationship on a child's cognitive development: A literature review. *Cureus*, 14(10), e30574. <https://doi.org/10.7759/cureus.30574>
- Mahfud, A., Prasetya, B., & Santoso, S. A. (2022). Peran Pondok Pesantren dalam pembentukan karakter religius anak di Desa Mranggonlawang. *Journal of Islamic Education(ANNABA)*, 8(2), 175-187. <https://doi.org/10.37286/ojs.v8i2.155>
- Morando, G., & Platt, L. (2022). The impact of centre-based childcare on non-cognitive skills of young children (IZA Discussion Paper). *Institute of Labor Economics (IZA)*, No 15435. <https://doi.org/10.2139/ssrn.4163312>
- Munif, M. (2023). Learning strategies for Islamic religious education in the family to increase children's spiritual awareness. *Nasir: Jurnal Pendidikan Islam*, 1(2), 120-132. <https://doi.org/10.59698/nasir.v1i2.80>
- Mullet, N., Waterman, E. A., Edwards, K. M., Simon, B., Hopfauf, S., & Herrington, R. (2023). Family strengths among Native American families and families living in poverty: Preventing adverse childhood experiences. *Family Relations*, 72(5), 2334-2352. <https://doi.org/10.1111/fare.12906>
- Mutholingah, S. (2024). Tinjauan teoritis kurikulum pendidikan agama Islam untuk anak usia dini. *AJMIE: Alhikam Journal of Multidisciplinary Islamic Education*, 2(1), 33-45. <https://doi.org/10.32478/wqg69r69>
- Nye, R., & Hay, D. (1996). Identifying children's spirituality: How do you start without a starting point? *British Journal of Religious Education*, 18(3), 144–154. <https://doi.org/10.1080/0141620960180303>
- Piaget, J. (1951). *Play, Dreams and Imitation in Childhood*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315009698>
- Rajajaran, R., & Palanikumar, S. (2023). Khmer art samplings: Ideological influence of Indian knowledge through Hindu divinities. *International Journal of Research – Granthaalayah*, 11(1), 55–65. <https://doi.org/10.29121/granthaalayah.v11.i1.2023.4980>
- Salimah, A. S., Al-Kautsar, M. A., Aisya, M., & Al-Kautsar, M. A. (2023). Strategi pendidikan Islam anak usia dini (PIAUD) dalam mengembangkan kecerdasan spiritual. *Bouseik: Jurnal Pendidikan Islam Anak Usia Dini*, 1(1), 25-35. <https://doi.org/10.37092/bouseik.v1i1.550>
- Spilka, B., Hood, R. W. Jr., Hunsberger, B., & Gorsuch, R. (2003). *The psychology of religion: An empirical approach* (3rd ed.). Guilford. <https://doi.org/10.1558/imre.v1i3.320>
- Spilka, B., Brown, G. A., & Cassidy, S. A. (1992). The structure of religious mystical experience in relation to pre-and postexperience lifestyles. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 2(4), 241-257. https://doi.org/10.1207/s15327582ijpr0204_4

- Tripon, C. (2024). Nurturing sustainable development: The interplay of parenting styles and SDGs in children's development. *Children (Basel, Switzerland)*, 11(6), 695. <https://doi.org/10.3390/children11060695>
- Vertel, A., Korolenko, V., Shapovalova, O., & Bereziuk, T. (2024). The role of the family in the education and upbringing of children. *Brazilian Journal of Education, Technology and Society - BRAJETS*, 17(nse1), 54-64. <https://doi.org/10.14571/brajets.v17.nse1.54-64>
- Vygotskiĭ, L. S. (1987). *The collected works of L. S. Vygotsky: Volume 1: Problems of general psychology, including the volume Thinking and speech* (R. W. Rieber & A. S. Carton, Eds.). Springer Science & Business Media. <https://doi.org/10.1007/978-1-4613-1655-8>
- Weber, A., & Greiff, S. (2023). ICT skills in the deployment of 21st century skills: A (cognitive) developmental perspective through early childhood. *Applied Sciences*, 13(7), 4615. <https://doi.org/10.3390/app13074615>
- Wulff, D. M. (1991). *Psychology of religion: Classic and contemporary views*. John Wiley & Sons. <https://psycnet.apa.org/record/1990-98824-000>

Thematic Analysis and Examination of Transformational Trends in the Conceptual Representation of God in Paintings by Iranian Girls in First to Third Grades of Elementary School

Extended Abstract

Aim

Children's drawings are a valuable medium for exploring their inner world, cognitive processes, and emotional development (Fitzsimons et al., 2024; Weber & Greiff, 2023). Beyond artistic value, these visual expressions offer insight into how children perceive abstract concepts such as spirituality and God, especially in early stages when verbal reasoning skills are limited (Morando & Paletta, 2022; Bellous, 2021). Recent research emphasizes the role of creative, play-based, and visual activities in fostering spiritual awareness, particularly when guided by parents and educators in culturally relevant contexts (Herawati & Yulya, 2023; Fikriyati et al., 2023).

The concept of God presents a cognitive and emotional challenge for children, often expressed through symbols like light, clouds, angels, or human figures. These depictions evolve with age, shifting from concrete, anthropomorphic forms to more symbolic and abstract representations (Ashkenazi et al., 2022; Dias et al., 2022). Family environment, religious education, and socio-cultural influences play a pivotal role in shaping these visualizations.

In the Iranian-Islamic context—where God is portrayed as transcendent, unique, and invisible—children often reinterpret this concept through familiar, culturally grounded imagery. This study examines 246 drawings by Iranian girls in grades one to three, using thematic analysis to identify common symbolic elements, trace developmental patterns, and relate findings to contemporary theories of spiritual and cognitive growth. The results aim to inform the design of culturally adapted, creative, and spirituality-oriented educational programs for young learners.

Methodology

This qualitative study employed Braun and Clarke's (2006) six-phase thematic analysis to explore children's conceptions of God through their drawings. The participants included 246 female students from grades one to three at a public elementary school in Tehran, representing an Islamic-Iranian cultural context. Purposive sampling was used, with inclusion criteria of age

(approximately 7–10 years), enrollment in the specified grades, and willingness to participate. Students who declined to participate in the drawing activity were excluded.

Data collection consisted of 246 drawings illustrating the children's mental images of God. The activity was conducted during school hours in familiar and calm environments, such as classrooms and art workshops, with full coordination from school staff and administration. Children were provided with A4 white paper and various coloring materials, including colored pencils, markers, and crayons. When possible, brief informal interviews were conducted to enhance understanding of the drawings. All visual data were anonymized and made publicly accessible via GitHub¹ at.

Common visual motifs, such as light, clouds, human-like faces, angels, and heavenly symbols, were documented. During data analysis, these elements were coded and grouped into initial clusters and overarching themes. To ensure reliability, two researchers independently coded the data and resolved discrepancies through discussion.

Additionally, the study consulted relevant literature, including [Bellous](#) (2021) on spiritual care in religious education and [Mahfud et al.](#) (2022) on character development in faith-based schooling. Limitations include the study's geographic focus and reliance on visual data without extensive verbal interviews.

Findings

Consistent with [Spilka](#) (1992) and [Wulff](#) (1991), children in grades one and two predominantly use concrete, sensory symbols—such as light, clouds, and anthropomorphic figures—reflecting the concrete cognitive stages of early childhood ([Coles](#), 1990). These early representations reveal how young children rely on tangible, visible elements to conceptualize divine entities, often portraying God in human-like or natural forms. By grade three, there is a notable developmental shift, as children begin to incorporate more symbolic and abstract representations in their drawings. This progression demonstrates an emerging capacity for complex spiritual ideas and a more nuanced understanding of religious concepts.

However, this transition is not strictly linear or uniform. Many older children's drawings retain anthropomorphic and angelic imagery, indicating the persistent influence of cultural, emotional, and educational factors on their religious conceptions ([Mahfud et al.](#), 2022). Emotional elements also play a vital role, with vibrant colors such as red, gold, and blue, as well as symbolic motifs like hearts and tears, appearing consistently across age groups. These features highlight the affective dimensions integral to children's religious formation ([Bellous](#), 2021; [García-Navarro et al.](#), 2024).

The study further identifies a notable contrast between children's imaginative, nature-inspired religious imagery and the more abstract, didactic approach characteristic of formal religious education ([Munif](#), 2023). This gap points to a crucial need for educational practices that better integrate children's symbolic creativity, enabling a more holistic spiritual development aligned with their cognitive and emotional capacities.

Figure 1: Heatmap of God Concepts in Children's Drawings

Distribution of God representations by age, showing the shift from tangible to symbolic elements across childhood.

¹ <https://github.com/reyhanehnoorinezhad/Children-painting>

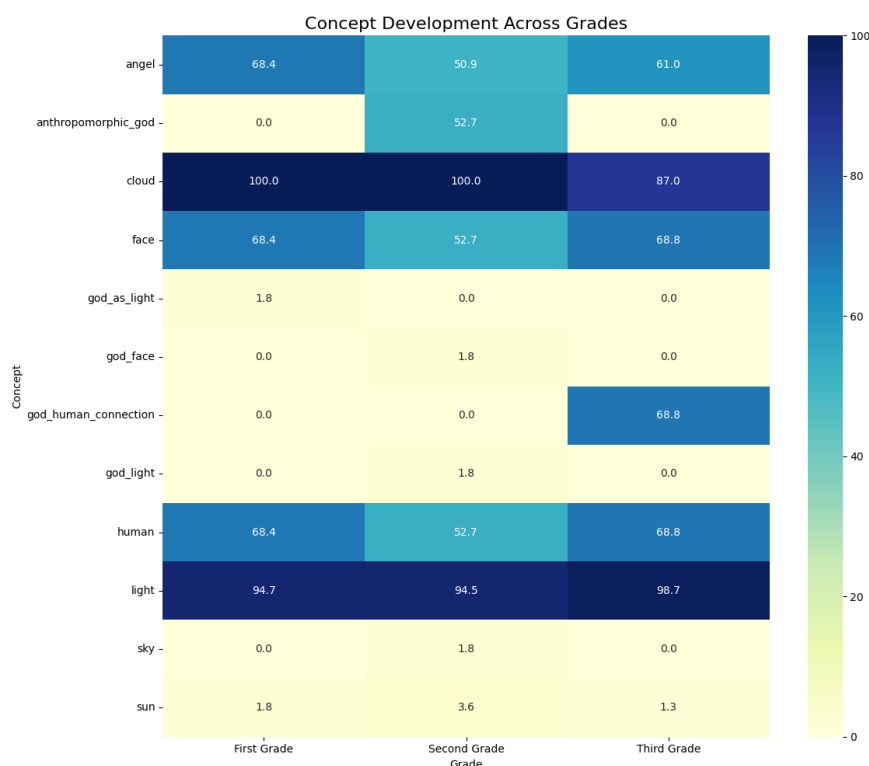


Figure1. Heatmap of God Concepts in Children's Drawings

Figure 2: Comparative Bar Chart of God Concepts

This chart shows shifts from concrete to abstract depictions of God across grades.

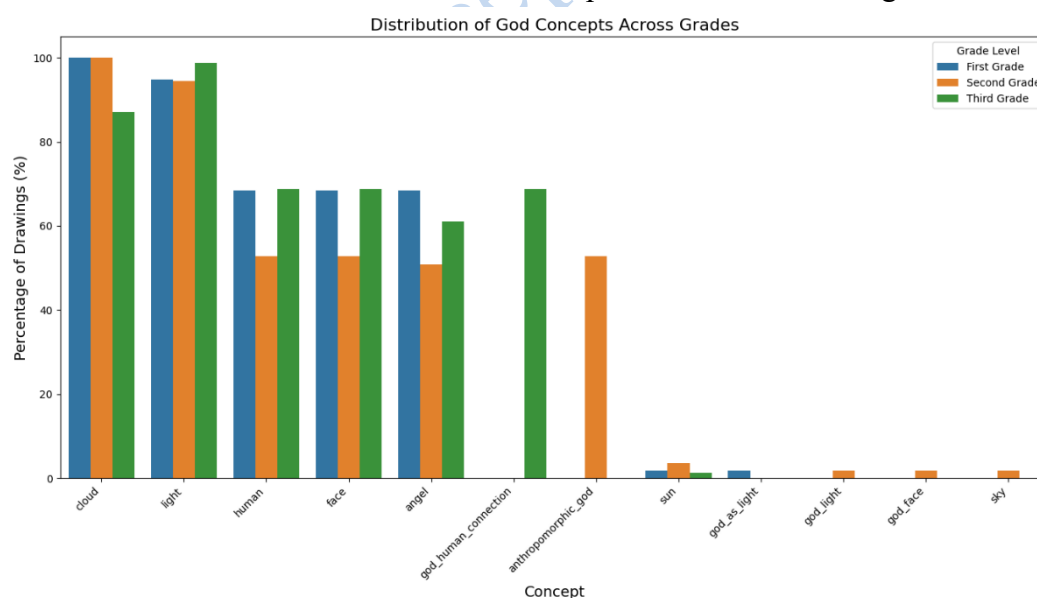


Figure 2. Comparative Bar Chart of God Concepts

Conclusion

The findings of this study align with [Spilka's](#) (1992) and [Wulff's](#) (1991) theories in many respects but also reveal deviations that highlight the importance of considering cultural, social, and emotional dimensions alongside cognitive development in explaining children's religious

concept formation. Consistent with these frameworks, children in grades one and two primarily depict God using concrete, sensory symbols such as light, clouds, and anthropomorphic figures, reflecting early cognitive stages (Coles, 1990). In grade three, a meaningful emergence of symbolic and abstract representations indicates a developmental shift toward more complex spiritual ideas, consistent with higher cognitive stages in Spilka's model.

However, this transition is neither linear nor uniform; many older children's drawings continue to feature human-like or angelic figures, suggesting that cultural, emotional, and educational factors moderate cognitive growth and sustain concrete imagery. Emotional elements—such as the use of vibrant colors and symbolic motifs like hearts and tears—remain prominent across ages, underscoring the affective dimension of religious cognition (Bellous, 2021). These findings resonate with García-Navarro et al. (2024) and Mahfud et al. (2022), who emphasize visual metaphors and formal religious education's role in shaping children's spiritual imagery.

From a sociocultural perspective (Vygotsky, 1987), children's representations reflect complex interactions among cognitive, emotional, social, and cultural influences. This study suggests that understanding children's religious cognition requires integrative, multilayered models that acknowledge this complexity. Finally, the persistent presence of concrete symbols alongside abstract ones indicates the need for flexible theoretical frameworks responsive to cultural and psychological diversity in children's spiritual development.

Keywords: Representation of God, children's drawings, thematic analysis, religious development, Iranian culture, cognitive growth.

Ethical Considerations

All ethical principles related to research involving children were carefully observed. Although written informed consent was not obtained, parents and school administrators were fully informed about the study's purpose and procedures. Participation was voluntary, anonymous, and conducted during regular school hours in familiar and safe environments such as classrooms and art workshops. No identifying information was collected from the children. All visual data were anonymized and made publicly accessible for academic purposes via GitHub: <https://github.com/reyhanehnoorinezhad/Children-painting>. The study adhered to international ethical standards for minimal-risk research involving minors.

Acknowledgments and Funding

We sincerely thank the participating schools, staff, students, and their families for their invaluable support. This research was conducted without financial support from any funding institution.

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest related to the publication of this research.